اخبار

تحقیقات پروژه میرباقری ادامه دارد

نگارش فیلمنامه «سلمان فارسی»

تهیه‌کننده «سلمان فارسی» گفت: تحقیقات این پروژه فاخر از مرز ۷۰ درصد گذشته و تا اوایل تابستان به پایان می‌رسد. بهروزخوش‌رزم، تهیه‌کننده «سلمان فارسی» در گفت‌وگو با تسنیم، از پایان نگارش سیناپس فیلمنامه «سلمان فارسی» خبر داد و گفت: بیش از ۷۰ درصد تحقیقات این مجموعه به پایان رسیده است. تهیه‌کننده «رنگ شک» با بیان اینکه مرحله تحقیقات و بررسی پروژه فاخر «سلمان فارسی» همچنان ادامه دارد، افزود: با پیش‌بینی‌های انجام شده این مرحله از کار تا اوایل تابستان به طول می‌انجامد و پس از آن وارد مراحل دیگر می‌شویم. وی با بیان اینکه ۱۵ درصد کار تحقیقات این مجموعه به پایان رسیده، افزود: از نظر تأمین بودجه مالی برای پیش‌بردن کار در تنگنا هستیم که پس از تامین منابع مالی کار به‌طور جدی دنبال می‌شود. طرح ساخت سریال فاخر «سلمان فارسی» از ۱۳ سال پیش توسط سیدداوود میرباقری مطرح شد که در همان زمان در مرحله نگارش سیناپس متوقف شد. طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده پیش‌تولید آن ۲ سالی زمان می‌برد. خوش‌رزم پیش از این اضافه کرده بود: قرار است داوود میرباقری کارگردانی و نویسندگی این کار را برعهده داشته باشد. در مدت زمانی که میرباقری در حال تصویربرداری سریال «شاهگوش» است کار تحقیقات را انجام می‌دهیم و پس از آن وی به ما اضافه می‌شود. در این سریال به زندگی «سلمان فارسی» از بدو تولد تا زمان مرگ بویژه مقطع مشرف شدن او به دین اسلام و همراهی وی با پیامبر(ص) توجه می‌شود. شخصیتی که سه دین بزرگ زرتشت، مسیح و در کنار آن یهود و در پایان اسلام را تحلیل می‌کند و در کنار علی(ع) آرام می‌گیرد. سریال «سلمان فارسی» قرار است در ۴۰ قسمت ۵۵ دقیقه‌ای به‌سفارش معاونت سیما به کارگردانی داوود میرباقری تولید شود.

■■■

غفوری عنوان کرد

تولید فیلم‌های مستند و داستانی با موضوع اقتصاد مقاومتی

سلیم غفوری، مدیر بخش مستندسازی سازمان هنری- رسانه‌ای اوج با تاکید بر اینکه فیلمسازان باید در راستای منویات رهبری فیلم بسازند، گفت: تولید فیلم‌های مستند و داستانی با موضوع اقتصاد مقاومتی از وظایف ما است. سلیم غفوری، مدیر بخش مستندسازی سازمان هنری- رسانه‌ای اوج در گفت‌وگو با تسنیم گفت: اولویت‌هایی که ما برای سال ۹۳ باید در نظر بگیرم برگرفته از اولویت‌هایی است که رهبر انقلاب در خلال صحبت‌هایشان بر آن تاکید داشتند. اگر دقت نظری در فرمایشات مقام معظم رهبری داشته باشیم، می‌بینیم در ماه‌های گذشته اقتصاد مقاومتی یکی از موضوعات مهمی بود که بارها مورد تاکید ایشان قرار گرفت. وی افزود: تولید فیلم‌های مستند و داستانی با موضوع اقتصاد مقاومتی از وظایف ما است. باید در آثار خود به این موضوع بپردازیم که وظیفه ما، جامعه و قشرهای خاص در این باره چیست. متاسفانه در سال‌های گذشته این موضوع خیلی مغفول مانده است. ما در سازمان اوج مستندهایی در این زمینه در دست تولید داریم که در آینده راجع به آن اطلاع‌رسانی می‌کنیم. البته کارهای جدیدتری هم باید در این زمینه تولید شود. غفوری با اشاره به تفاوت تبلیغات فیلم‌های مستند و سینمایی در کشور خاطرنشان کرد: وقتی یک فیلم سینمایی اکران می‌شود شاهد ده‌ها تبلیغات شهری، اینترنتی و تلویزیونی هستیم. این در حالی است که این اتفاق هیچوقت برای یک فیلم مستند نمی‌افتد. ما تاکنون حتی یک تابلوی تبلیغات شهری درباره فیلم مستند ندیدیم. در نشریات و روزنامه‌ها نیز اینگونه است. گاهی اوقات تبلیغات فیلم‌های سینمایی در یک نیم صفحه چاپ می‌شود در حالی که برای فیلم‌های مستند حتی یک خبر هم زده نمی‌شود.

■■■

شهید برونسی در موزه دفاع مقدس

نمایش «آشنای غریب» که براساس زندگی و خاطرات شهید سیدعبدالحسین برونسی و به مناسبت ایام فاطمیه آماده شده است از ۲۱ فروردین در باغ‌موزه دفاع مقدس روی صحنه می‌رود. مبنای این اثر براساس زندگی و خاطرات شهیدسیدعبدالحسین‌برونسی،فرمانده‌مقتدرتیپ جواد الائمه(ع) و ارتباط معنوی ایشان با حضرت زهرا(س) شکل گرفته است. «آشنای غریب» قرار است در سالن خلیج‌فارس باغ‌موزه دفاع مقدس روی صحنه برود. به گزارش تسنیم، اتابک نادری در نقش شهید برونسی در کنار وحید راد، یاشار نادری، سعید کاظمی، محمد کرمی و گروهی از هنرمندان حرکات نمایشی به ایفای نقش می‌پردازد. همچنین جواد تمدنی نیز به عنوان مشاور مذهبی با گروه همکاری می‌کند. در این اثر نمایشی از اثر موسیقایی لئونارد هامر، آهنگساز شناخته‌شده آمریکایی استفاده می‌شود که وی خود نسخه اصلی را در اختیار گروه نمایشی قرار داده است. هامر آلبوم «۵ مرحله از غم و اندوه» را در اواخر سال ۲۰۱۳ منتشر کرده و از چهره‌های شناخته شده عرصه موسیقی نئوکلاسیک است: در این اثر نمایشی از قطعه انکار (denial) از ساخته‌های وی با تنظیم مجدد بهره گرفته شده است.

نگاهی به سریال خوب نوروزی «روزهای بد به در»

همچنان از رنج، گنج می‌بافیم

علیرضا پورصباغ: از بزرگی سریال پایتخت و از محتوای عمیق و فرم متعالی آن در روزهای متمادی خواهیم نوشت اما در روزهایی که اغلب مخاطبان رسانه ملی بی‌وقفه به دنبال تماشای چندین باره سریال ماندگار پایتخت بودند، سریال «روزهای بد به در» نیز از سریال‌های شاخص و ماندگاری بود که دنباله گفتمان انتقاد اجتماعی سریالی نظیر دودکش بود. سریالی که درد و رنج‌های اقتصادی- اجتماعی طبقات پایین‌دستی را به تصویر می‌کشید و البته این تصویرسازی توامان با سیاه‌نمایی نبود و تلألو امید به روزهای متعالی در سریال متجلی بود. سریال روزهای بد به در از این حیث گفتمان فاخری درباره رنج اقتصادی توده‌ها با پرهیز از سیاه‌نمایی مطرح کرد. سریالی که مشخص است نگارش هوشمندانه‌ای داشته و اتفاقا دیالوگ‌نویسی‌های بسیار جذاب و گیرایی داشت. سریالی که زیر سایه پایتخت قرار داشت اما سازندگان رسالت خود را به درستی در مقابل مردم به ثمر نشاندند. اتفاقا یکی از ویژگی‌های ارزنده سریال این بود که گفتمان انتقادی‌اش در لفافه و لایه‌های زیرین سریال نبود و انتقال مفاهیم سریال درباره مشکلات اقتصادی مردم نیز آنچنان در لفافه نبود. روایت سریال در مورد پرویز صدیق‌شریف (هومن برق‌نورد) بود که در دهه سوم زندگی‌اش با اما و اگرهایی می‌خواهد تشکیل خانواده دهد. این مساله که مشکلات اقتصادی، دست‌اندازهای اجتماعی برای ازدواج فراهم می‌آورد و عمدتا سبک زندگی جاری بدان دامن می‌زند از زاویه کاراکتر پرویز مورد انتقاد قرار می‌گیرد. پرویز برادر کوچکی به نام محمدرضا (محمدرضا شیرخانلو) دارد و در دیالوگی ماندگار به او می‌گوید پول «پ» دارد پدر هم «پ» دارد. این دو رابطه مستقیم و منفک‌نشدنی با هم دارند؛ یا باید پدرت درآمده باشد یا پدرت را درآورده باشند یا پدرت پولدار باشد یا پدرزنت. محمدرضا هم در پاسخ می‌گوید پس برای من امیدی هست و پرویز جواب می‌دهد برای شما حتما امیدی است چون باید پدرت دربیاد. امیدی که در بطن اجتماعی برای عبور از تنگناهای اقتصادی دارد اما نیاز به تلاش جمعی در سطوح مردم دارد. این سریال بدون اینکه شعار بدهد و به دام مستقیم‌گویی بیفتد نکات ریزی را مطرح می‌کند که بسیار کلیدی است. شخصیت محمدرضا که بدان اشاره کردیم پسری ۱۲-۱۰ ساله است. این روزها دغدغه‌های افزایش و ازدیاد جمعیت یک سیاست استراتژیک به شمار می‌رود. محمدرضا سمبل مطالبه این استراتژی است. او از پدر و مادری زاده شده که دوران بازنشستگی آنان فرارسیده و فرزندانشان بالای ۳۰ سال سن دارند و وجود چنین فرزندی در سریال برای خانواده صدیق‌شریف ازدیاد کاراکتر نیست بلکه نگرش عمیق و متعالی به افزایش جمعیت به عنوان ماموریت اجتماعی خانواده‌هاست. نام خانوادگی خانواده، صدیق‌شریف است، خانواده‌ای که صداقت، شرافت و نجابت در آن متجلی است. این خانواده با داشتن پویش‌های اجتماعی دارای سه فرزند مجرد است که یکی از آنها در آستانه ازدواج است اما با گرفتاری‌های عدیده‌ای مواجه است. دیگری هم اکبر (بیژن بنفشه‌خواه) در حسرت ازدواج است. اکبر وقتی انگشتر ازدواج برادرش را با حسرت تماشا می‌کند، رو به انگشتر می‌گوید: بالاخره روزی نیمه گم شده‌ام را پیدا می‌کنم، تا آن روز طلا کشیده پایین، دستمزدا کشیده بالا، من هم به آرزویم خواهم رسید. اینجاست که مفهوم حسرت را درک می‌کنیم و رویاهای جوانان مجرد بالای ۳۰ سالی را می‌بینیم که حسرت زندگی مشترک را بر دل دارند و رویای این طیف اجتماعی ملموس است که وضعیت اقتصادی کمی تلطیف شود. واقعا توصیف این شرایط زندگی سیاه‌نمایی نیست، حقیقتی است که باید مسؤولان با مراقبت بیشتری بدان توجه کنند. روایت اصلی سریال درباره خانواده‌ای است از طبقه فرودست که سال‌ها سرایدار مدرسه بوده و با توجه به بازنشستگی مجبور می‌شوند مدرسه را ترک کرده و در وانفسای ازدواج فرزندشان به صورت ضرب‌الاجلی به منزلگاه تازه‌ای نقل مکان کنند. وقتی خانواده اردشیر در ضرب‌الاجل شب عید برای اجاره خانه به بنگاه‌های معاملات ملکی مراجعه می‌کنند با قیمت اجاره ماهانه یک و نیم میلیونی مواجه می‌شوند. شاید به صورت جمعی باید مسؤولانی که توان اجرایی دارند این تصویر از طبقه فرودست را با جزئیات بیشتری رصد کنند. سریال کمدی صادقانه‌ای است که با صراحت نشان می‌دهد طبقه فرودست اجتماعی که در تهران و سایر شهرهای ایران زندگی می‌کنند با چه معضلاتی دست به گریبانند. صاحب یکی از بنگاه‌های معاملات ملکی به همسر اردشیر و مادر خانواده پاسخ می‌دهد شبی ۴۰ هزار تومان هزینه یک مسافرخانه درجه دوم است که اگر این خانواده بخواهد در آن بماند باید به صورت ماهانه یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار تومان اجازه بدهد آن‌وقت خانواده صدیق‌شریف بدون هیچ امکاناتی دنبال منزلگاهی با اجاره ۵۰۰ هزار تومان ماهانه می‌گردند. این دیالوگ‌ها واقعا خنده‌دار نیست و با کمی تعمق و تامل اشک‌آور و اشک‌انگیز است. خانواده‌ای که درآمدش تنها ۸۰۰ هزار تومان است و آنقدر حسرت‌زده هستند که برای استقرار ۴ ماهه در خانه ویلایی به عنوان سرایدار، جشن بزرگی می‌گیرند. در یکی از قسمت‌های سریال محمدرضا شیرخانلو به مادر می‌گوید از وقتی داداش پرویز به ماهی‌فروشی مشغول شده ما فقط ماهی می‌خوریم. خانواده‌هایی در این شرایط شاید وعده‌های غذایی مشابهی را تجربه می‌کنند اما خانواده صدیق‌شریف با همه این فشارها خانواده نجیب و عجیبی است که تمام این مشقات و رنج‌ها را یک‌تنه به دوش می‌کشد و امید خود را از دست نمی‌دهد و پدر خانواده دائما یادآور می‌شود که به دام ناشکری کردن نیفتند اما توصیف شرایط اقتصادی اخیر در یک دیالوگ کلیدی مطرح می‌شود؛ پرویز به نامزدش، نگار قبل از عروسی می‌گوید اگر دو سال پیش عروسی می‌گرفتند شاید میهمانان عروسی به آنان یک سکه عیدی می‌دادند، اگر یک سال پیش عروسی می‌گرفتند، نیم‌سکه می‌گرفتند و اگر ۶ ماه پیش مراسم آنها برگزار می‌شد یک ربع سکه می‌گرفتند اما در شرایط کنونی میهمانان به آنان یک کارت صد آفرین هم نخواهند داد. از زمین و زمان بلا بر سر خانواده صدیق‌شریف نازل می‌شود و بالاخره فرد نیکوکاری پیدا می‌شود و در ازای لطفی که خانواده صدیق‌شریف به آنان کرده کلید خانه‌اش را می‌دهد تا این خانواده شرافتمند از سرگردانی نجات پیدا کنند. محمدرضا در لحظات پایانی سریال می‌دود و فریاد می‌زند: مامان... مامان... کلید را گرفتم. و با گرفتن این کلید از سرگردانی نجات پیدا می‌کنند. خانواده صدیق‌شریف با لطف نمی‌دانم جندقی بود یا خندقی، عاقبت به خیر شدند و کلیدی از سر مهر از یکی از هموطنان دریافت می‌کنند و سرپناهی را به دست می‌آورند تا از آوارگی نجات پیدا کنند. این مردم منتظر کلیدهای بزرگ‌تری هستند تا از آوارگی و اجاره‌های میلیونی رهایی یابند در حالی که میزان متوسط حقوق کارمندان از مرز یک‌میلیون تجاوز نمی‌کند. باز باید اشاره کرد این تصاویر سیاه‌نمایی نیست. تازه درک می‌کنیم هنرمندانی مثل سعید آقاخانی اگر گرفتار تیغ سانسور نشوند و اگر دست و پایشان را طنابی آویزان نکنند قطعا درد را آنگونه که هست به تصویر می‌کشند. آرزوی من از پایان این سریال باشکوه این بود که مدیران که رسانه ملی برای آنها یک سد صعب‌العبور است و تیغ‌های تیزشان آتش به سرزمین کهن می‌اندازد، با دقت سریال زیبای «روزهای بد به در» را تماشا می‌کردند آنوقت می‌فهمیدند برای گشودن گره‌های زندگی مردم به کلیدهای بزرگ‌تری نیاز است اما کجاست وعده‌های کلیدی؟

سریال روزهای بد به در نشان داد ما ملتی هستیم که از رنج همچنان گنج می‌بافیم و با تماشای این سریال نوروزی استثنایی، سربلندانه و پایمردانه در مقابل ناملایمات مثل سکانس پایانی سریال به معنویات چنگ خواهیم انداخت.

■ **یک مجموعه گرامی**

سریال‌های سعید آقاخانی شباهت‌های جزئی‌نگر به شیوه سیروس مقدم دارد اما استقلال اصیل این فیلمساز گرامی گاهی از سیروس مقدم پیش‌تر می‌رود. در شیوه نوین سریال‌سازی آنچه کشش و جذابیت‌های سریال را افزایش می‌دهد گرایش به پرداخت ماجرا(Adventure) است و از آن حیث اتکای روایت بر ماجراست که روایت سریال را راکد نمی‌کند. مثلا اینکه رئیس بانک (موسویان) عازم مشهد مقدس است و یکی از مقامات بانکی است که باید برگ درخواست وام پرویز را امضا کند یا افتادن حلقه در فاضلاب، نمونه‌هایی ماجرایی است که شیوه کمدی اسکروبال آقاخانی را بسیار فاخر جلوه می‌دهد و پیام می‌دهد که کمدی اسکروبال باید اتکای ماجرایی داشته باشد. اتکای ویژه سریال در بخش‌های بعدی تاکید بر بازی‌های شاخصی است که صرفا نمی‌توان گفت هومن برق‌نورد شاخص‌ترین سریال بوده است. آنچه برق‌نورد را مثل نگین نشان می‌دهد برجسته بودن دیالوگ‌های بسیار زیبا و شیرینی است که این بازیگر ادا می‌کند اگرنه از محمدرضا شیرخانلو تا برق‌نورد، یکدستی بی‌نظیری در اجرا ارائه می‌کنند که هر کدام از این بازیگران اگر در اجرا دچار نقصان می‌شدند قطعا کلیت مجموعه بازی‌ها صدمه می‌دید. سریال نوروزی «روزهای بد به در» از تیتراژ تا پایان، مفهوم یک فعالیت هنری جمعی جسور و به روز را برجسته می‌کند و این سریال را باید یکی از شاخص‌ترین آثار نوروز برشمرد.

■ **شرافت ماندگار**

شرافت را در خانواده صدیق‌شریف باید در آن بخش سریال دید که محمدرضا شیطنت می‌کند و ساندویچ مصرف شده‌ای که بدان گاز زده را از طریق بوفه مدرسه به همکلاسی‌اش عرضه می‌کند و اردشیر (پدرش) او را از این کار زشت باز می‌دارد. شاید این بخش کمتر از یک دقیقه از سریال باشد اما لحظه فوق‌العاده تاثیرگذاری است.

■ **مقاومت اقتصادی**

خانواده صدیق‌شریف قصد دارند عروسی خود را در مدرسه برگزار کنند. این سریال با چنین ترفندی با توجه به وضعیت اقتصادی کنونی آموخت که تجمل‌گرایی و برگزاری عروسی در سالن‌های بسیار گران یک عرف‌گرایی نامطلوب به شمار می‌رود و با ترفندی داستانی نشان داد حتی در مکان‌های عمومی مثل یک مدرسه می‌توان عروسی گرفت و ساده‌زیستی که این سریال در پس روایت ماجرایی می‌آموزد، وجوه فاخر سریال را صد البته افزایش می‌دهد.

فشارهای بیرونی بر صدا و سیما برای حذف و اضافه در سریال‌ها

سارا شکری: نوروز و ایام تعطیلات اوقات فراغت بیشتری فراهم می‌آورد و رسانه ملی نیز به همین دلیل تلاش می‌کند با ساختن سریال‌های تلویزیونی اوقات مخاطبان تلویزیون را پر کند و با تولید آثار شاد و مفرح فضای طراوت، شادمانی و سرخوشی بینندگان را دوچندان کند. نوروز امسال تلویزیون در این امر مهم موفق عمل کرد و طنز و تفنن، عنصر غالب سریال‌های تلویزیونی بود. در مجموعه‌های تلویزیونی امسال که از شبکه‌های یک، دو، سه و پنج شاهد آن بودیم محور اصلی داستان، خانواده قرار داشت و از تجمل‌گرایی پرهیز شده بود و پایتخت ۳ با نمایش خانواده‌ای ساده و معمولی، روابط انسانی را به درستی به تصویر کشید. انسان‌هایی پر از عاطفه و احساس و میهمان‌نواز که خصوصیات کامل یک ایرانی را در این خانواده به تصویر کشیدند. به تصویر کشیدن آدم‌های معمولی ایرانی و رعایت تمام ابعاد آنها کار ساده و آسانی نیست. در سریال‌های دیگر تلویزیون از جمله «خوب، بد، زشت» و «روزهای بد به بدر» هم به داستان‌هایی چون ازدواج، خواستگاری، بی‌پولی، دختر ثروتمند، تعامل یا تضاد اعضای خانواده و آشنایان توجه شده بود. تلاش سازندگان و داستان‌پردازان اکثر این مجموعه‌ها به خوبی دیده شد. در این مجموعه‌ها تاکید بر ارزش‌های خانوادگی و اجتماعی بود. ارزش‌هایی که مفاهیم مثبتی مانند گذشت، اعتماد، اتحاد، قدرشناسی، نگهداری از سالمندان بیمار، فداکاری، ایثار و.. را به نمایش گذاشتند. داستان‌پردازان این مجموعه‌ها با محدودتر کردن شخصیت‌ها و رابطه‌ها به پختگی بیشتری دست یافته‌اند و جذابیت افزون‌تری را ایجاد کرده‌اند اما اگر نگاهی به سریال‌ها بیندازیم خواهیم دید بار اصلی طنز، بر گفت‌وگوها استوار است و دیالوگ بار اصلی طنز را بر دوش کشیده است و کمتر موقعیت‌های طنز و کمدی از سوی سازندگان آثار خلق شده است. نویسندگان آثار بیشتر تلاش خود را بر خلق دیالوگ‌های بامزه و خنده‌دار گذاشتند تا اینکه موقعیت‌های تصویری و نمایشی مناسب کمدی خلق کنند اما به نظر می‌رسد مفهوم و محتوای طنز بهتر از گذشته است. سازندگان آثار تلاش کردند مانند سریال‌های گذشته مجموعه‌ماجراهای سرراست و قابل فهمی برای اقشار مختلف آماده کنند اما تلاش شده است با ارائه واقعیت‌های زندگی و ملموس بودن شخصیت‌های داستان برای افراد جامعه، مخاطب بیشتری را با خود همراه کنند. واقعیت‌هایی که امسال در مجموعه‌ها به نمایش گذاشته شد بخش قابل توجهی از مخاطبان در زندگی معمول و روزمره خود با آنها مواجهند همین امر یکی از دلایل دیده شدن سریال‌های تلویزیونی در نوروز ۹۳ بود. در گزینش بازیگرانی که در مجموعه‌های امسال حضور داشتند شاهد روند خوبی بودیم. نشانه‌هایی از رویکرد تازه عوامل سازنده در گزینش بازیگران دیده شد و از بازیگران مطرح سینما برای حضور در مجموعه‌های تلویزیونی استفاده شد. سازندگان مجموعه‌های نوروزی نشان دادند نیازهای مخاطب را به خوبی می‌شناسند و براساس نیازسنجی، آثار را خلق و تلاش کردند از افتادن در دام کلیشه‌ها پرهیز کنند. هرچند سازندگان به خطوط قرمز سازمان به خوبی آشنا بودند اما امسال شاهد اتفاق ناخوشایندی در سریال‌های تلویزیونی بودیم که با تغییر دولت متاسفانه شاهد فشار از سوی گروه‌هایی خارج از سازمان صدا و سیما و اعمال نظر برخی افراد آشنا بر سریال‌های پرمخاطب تلویزیونی بودیم. سازندگان آثار به خوبی با رویکردها و اهداف سازمان آشنا هستند اما امسال متاسفانه ممیزی در سطح دیگری صورت گرفت و ممیزی از سوی یک نیروی ناظر از بیرون صدا و سیما باعث شد تعدادی از سریال‌ها از جمله «خوب، بد، زشت» محصول شبکه دو سیما، «روزهای بد به در» محصول شبکه سه سیما و «پایتخت۳» محصول شبکه یک سیما دچار ممیزی شوند. هریک از این سریال‌ها به ترتیب ۵۰ دقیقه، ۱۰۰ و ۶۰ دقیقه کوتاه شدند آن هم تنها با تصمیمی که از سوی گروهی ناظر و خارج از سازمان صدا و سیما انجام شد. نظارت بیرونی این بار کار دست سازندگان آثار که با رویکرد مدیران صدا و سیما آشنا هستند داد و بسیاری از تلاش‌های سازندگان آثار بدون توجه به زحمات شبانه‌روزی سازندگان مجموعه‌ها به آرشیو سپرده شد و به جای آن دیالوگ‌هایی به خورد سریال‌ها داده شد. به طور نمونه از جمله دیالوگ‌های سفارشی، جمله‌ای بود که توسط بازیگر چینی راجع به انصراف از یارانه‌ها گفته شد. این درحالی است که سازمان صدا و سیما در دریافت بودجه از دولت یازدهم با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شده و در دولت جدید با کمبود جدی بودجه مواجه است اما نیروهای ناظر تلاش کردند بدون توجه به کمبود بودجه سازمان صدا و سیما و در مضیقه بودن آن (که در سریال‌های تلویزیونی شاهد حضور اسپانسرها بودیم) اعمال نظر کرده و فشاری مضاعف بر این سازمان با شبکه‌های متعدد وارد آوردند. طبق شنیده‌های خبرنگار «وطن امروز» دیالوگ بازیگر چینی سریال و سایر دیالوگ‌های سفارشی با توجه به مخاطبان فراگیر سریال یک دستور دیکته شده از جانب ناظران بیرونی بوده که در این روزها صدا و سیما دچار آن شده است.

تازه‌ها

گزارشی از اکران نوروزی فیلم‌ها

«چ» یک میلیاردی شد

سینماهای کشور در ایام تعطیلات نوروزی با رونق در گیشه مواجه شد و خوشبختانه سینماداران سال جدید را با فیلم‌های خوبی شروع کرده‌اند و به نظر می‌رسد بالاترین فروش عید نوروز سینماها در روز ۱۲ فروردین‌ماه باشد زیرا این روز مصادف با روز سه‌شنبه بود و بلیت سینماها به صورت نیم‌بها ارائه شد که بسیاری به دلیل نیم‌بها بودن بلیت در روز سه‌شنبه به سینما رفتند و استقبال خوبی از سینماها در این روز که روز تعطیل هم بود صورت گرفت اما در میان فیلم‌های اکران شده در گروه نوروزی فیلم سینمایی «معراجی‌ها» رکوردار فروش است. امیر قطبی، مدیر فروش دفتر پخش فیلمیران درباره فیلم‌های «معراجی‌ها» و «چ» گفت: فروش معراجی‌ها در تهران و شهرستان‌ها به مرز ۴ میلیارد تومان رسیده و با توجه به اقبال مخاطبان بزودی مرز ۴ میلیارد را خواهد گذارند. فیلم «چ» از روز دهم فروردین تا ۱۳ یک جهش ۴۰-۳۰ درصدی داشته و با اتمام تعطیلات و بازگشت مسافران نوروزی به شهرهای خود فروش این فیلم به مراتب بالاتر خواهد رفت. فیلم سینمایی «چ» با توجه به تعداد روز نمایش (۲۲ روز) و نمایش آن در ایام تعطیلات توانست نظر مخاطبان را به خود جلب کند. این فیلم با موضوع انقلاب ساخته شده است و توانسته به‌خوبی با مخاطب ارتباط برقرار کند که با پایان تعطیلات اکران این فیلم رونق بیشتری خواهد یافت. فیلم سینمایی «معراجی‌ها» هم با توجه به موضوع فیلم توانست نظر علاقه‌مندان به هنر هفتم را به خود جلب کند. با توجه به اقبال مخاطبان احتمالا فیلم تا پایان اردیبهشت‌ماه هم بر پرده سینماها خواهد ماند.

حبیب اسماعیلی، پخش‌کننده فیلم سینمایی «طبقه حساس» از فروش ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومانی این فیلم در تهران و شهرستان‌ها خبر داد و به مهر گفت: فروش فیلم «طبقه حساس» به کارگردانی کمال تبریزی در تهران و شهرستان‌ها ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان بوده و قرار است از امروز تعداد سینماها در شهرستان‌ها افزایش پیدا کند. فیلم‌های سینمایی «خط ویژه» (کیایی) و «با دیگران» (ناصر ضمیری) نیز در اکران نوروزی جای گرفتند. فیلم «خط ویژه» که منتخب تماشاگران در جشنواره فیلم فجر بود آنگونه که انتظار می‌رفت نتوانست نظر مخاطبان را به خود جلب کند. فیلم سینمایی «با دیگران» هم توقع مخاطبان را برآورده نکرد و با فروش آنچنانی مواجه نشد.

■■■

انتشار قطعه‌ای موسیقایی به یاد شهید ناهی از منکر

همزمان با ایام شهادت بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا(س) قطعه موسیقایی «شهر مجروح» به یاد شهید ناهی از منکر، شهید علی خلیلی تولید شد. به گزارش «وطن امروز»، در این قطعه موسیقایی که توسط واحد موسیقی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی تولید شده، میلاد عرفان‌پور شاعر اثر بوده و سینا دستخوش خوانندگی آن را برعهده داشته، ضمن اینکه بابک مافی نیز به عنوان تنظیم‌کننده در این آلبوم حضور داشته است. سینا دستخوش که علاوه بر خوانندگی این قطعه آهنگسازی آن را نیز برعهده داشته است، پیش از این نیز قطعات مناسبتی دیگری را با نام‌های «گرم‌ترین روز زمستان»، «نبرد خاموش» و «عطر نجیب» تولید کرده است.

یادبود

درگذشت ۳ هنرمند در ایام تعطیلات

سینما در ۱۵ روز تعطیلات نوروز مانند سال گذشته هنرمندانی را از دست داد. سال گذشته در فروردین‌ماه عسل بدیعی را سینما و تلویزیون ایران از دست داد و امسال در آغازین روزهای سال نو، خبر فوت حمید مهرآرا علاقه‌مندان به این هنر را متاثر کرد. او که براثر بیماری دیابت یکی از پاهایش را از دست داد، بعد از تحمل ۸ سال بیماری دیابت، در ۷۱ سالگی درگذشت و در قطعه هنرمندان آرام گرفت. حمید مهرآرا در آثاری چون «تاراج»، «امیرکبیر»، «پهلوانان نمی‌میرند»، «آرایشگاه زیبا»، «روزگار جوانی» و تئاتر «پیروزی در شیکاگو» به کارگردانی داوود رشیدی بازی داشت. شیرین شازده‌احمدی، طراح صحنه و لباس سینمای ایران نیز که روز پنجشنبه (۷ فروردین‌ماه) به دلیل آتش‌سوزی در منزلش دچار ۹۷ درصد سوختگی شد، به بیمارستان انتقال داده شد و بعد از ۶ روز بستری در بیمارستان، سرانجام ظهر روز ۱۳ فروردین درگذشت. نادر قانع، کارگردان و فیلمنامه‌نویس قدیمی هم در تعطیلات نوروزی سپری شده، راهی قطعه هنرمندان شد. این هنرمند قدیمی که به علت کهولت سن درگذشت، اولین نقش جدی خود را در نمایشنامه «شاهزاده هامبورگ» بازی کرد و پس از تجربه‌اندوزی در عرصه بازیگری، به فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی سینما روی آورد تا اینکه در سال ۱۳۴۷ اولین فیلم بلند سینمایی‌اش را با عنوان «تونل» که یک فیلم حادثه‌ای- جنایی بود، ساخت.